

## تأثیر آموزش هوش سیاسی بر تربیت شهروندی دانش‌آموزان پایه دوازدهم شهرستان خاش

اکبر ذوالفقاری،<sup>۱\*</sup> فاطمه حاجی قاسمی<sup>۲</sup>

### چکیده

هوش سیاسی از مؤلفه‌های مؤثر بر تربیت و شکوفایی شاخص‌های تربیت شهروندی است. از این رو، پژوهش حاضر قصد دارد میزان تأثیر هوش سیاسی بر تربیت شهروندی بین دانش‌آموزان پایه دوازدهم شهرستان خاش را بررسی نماید. طرح پژوهش، شبه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری تحقیق حاضر دانش‌آموزان پایه دوازدهم شهرستان خاش بودند که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ مشغول به تحصیل بودند. ۳۰ نفر از این دانش‌آموزان به صورت تصادفی از نمونه در دسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش و گواه (هر گروه ۱۵ نفر) گمارده شدند. در این پژوهش، از مقیاس تربیت شهروندی تابش (۱۳۹۱) به‌عنوان پیش‌آزمون-پس‌آزمون استفاده شد و مداخله آموزش هوش سیاسی در ۴ جلسه (هر جلسه یک هفته) روی آن‌ها اجرا گردید. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل داده‌ها نشان داد رویکرد هوش سیاسی ( $\beta=0/92$ ) بر تربیت شهروندی مؤثر بوده است؛ همچنین نتایج حاکی از تأثیر زیاد هوش سیاسی بر تربیت شهروندی بود و اختلاف معناداری در نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش مشاهده شد. نتایج نشان داد هوش سیاسی بر تربیت شهروندی و مؤلفه‌های آن مؤثر است. متغیر هوش سیاسی با اندازه اثر بالایی، متغیر تربیت شهروندی و مؤلفه‌های آن را پیش‌بینی می‌کند. بر این اساس، هوش سیاسی، موفقیت دانش‌آموزان را افزایش، اضطراب آنان را کاهش و ارتباطات اجتماعی را بهبود می‌بخشد.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش، تربیت شهروندی، دانش‌آموزان، هوش سیاسی.

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول، akbarzolfaghari@pnu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد، گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، alireza75440@gmail.com

## ۱. مقدمه

واژه مهم شهروندی در علوم رفتاری، اجتماعی و آموزشی از پیشینه بالایی برخوردار است. صاحب‌نظران علوم سیاسی، حقوق و جامعه‌شناسی همواره در پی آن بودند تا همه جنبه‌های مهم و چیستی این گزاره را تحت کاوش قرار دهند و چگونگی پیشرفت ماهیت رفتار شهروندی را مشخص و محدود کنند. این گزاره امروزه مشتمل بر مؤلفه‌های هویت ملی، وابستگی اجتماعی، فرهنگی و فراملیتی، ساختار اثربخش حقوقی، مشارکت مذهبی، و مشارکت سیاسی است. این ساختارها در یک پیوند سازمان‌یافته با یکدیگر قرار دارند و در کنار هم گزاره شهروندی را به وجود می‌آورند (مجلل‌چوبقلو، ۱۳۸۷). سازمان علمی و فرهنگی آموزشی یونسکو تربیت شهروندی جهانی را به‌عنوان یکی از زمینه‌های استراتژیک و از سه اولویت اصلی این سازمان مطرح کرده است (پیس و کوستا،<sup>۱</sup> ۲۰۲۰). ابتکار جهانی «تربیت شهروندی» در سپتامبر ۲۰۱۲ راه‌اندازی شد (اندروتی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). در سند «تربیت شهروندی جهانی» که یک دیدگاه نوظهور است، یونسکو دلیل اجرای برنامه تربیت شهروندی جهانی را در کشورهای مختلف ارائه می‌دهد (جورگنسون و شولتز،<sup>۳</sup> ۲۰۱۲). این حرکت دو دهه بین‌المللی شدن آموزش عالی را نشان می‌دهد که برای روبه‌رشد شدن جهان و اهداف بالای شهروندی ساخته شده است (کامیکیا و فرانکلین،<sup>۴</sup> ۲۰۱۱). بسیاری از مؤسسات آموزشی جهانی، آموزش شهروندی را به‌عنوان پایه سامان‌دهی فعالیت‌های درسی خود در نظر گرفته‌اند (مارشال،<sup>۵</sup> ۲۰۱۶). تربیت شهروندی آن‌چنان‌که امروز مورد بررسی است، در گذشته نبوده است. تربیت شهروندی، امروزه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیستم آموزشی و تعلیم و تربیت در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته است (محمدیان، ۱۳۹۴). به اعتقاد صاحب‌نظران، مدرسه مکانی است که می‌تواند با تثبیت و توجیه رفتار در تربیت ویژگی‌های شهروندی ایفای نقش (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵)، و به دانش‌آموزان در ساخت

- 
1. Pais & Costa
  2. Andreotti
  3. Jorgenson & Shultz
  4. Camicia & Franklin
  5. Marshall

و گسترش ایده‌های جدید و همچنین مشارکت پویا و فعال در جامعه کمک کند. هاپر (سچگرنسکی و میرس،<sup>۱</sup> ۲۰۰۳)، در این باره می‌گوید آموزش و پرورش نقش شهروندی هدف اصلی ساختار آموزشی است و شهروندان به سبب چنین آموزش و پرورش با علم و اطلاع، فعال و با روحیه انتقادی در مسائل اجتماعی شرکت می‌کنند. در واقع آموزش و پرورش شهروندی، یک نوع تعلیم و تربیت اجتماعی است که در جامعه نقش مهم عملکردی دارد (کرم‌فروز و همکاران، ۱۳۹۰). هوش سیاسی از مؤلفه‌های مؤثر بر تربیت شهروندی و شکوفایی شاخص‌های تربیت شهروندی است. هوش سیاسی هنر درک و فهم عمیق و مدیریت سیاست‌ها برای تبدیل اوضاع موجود به اوضاع مطلوب (بلیکله<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۱) و ابزاری قوی برای برقراری ارتباطات و تعاملات جهت تغییر منش‌ها و کنش‌هاست. به اعتقاد پژوهشگران، استفاده زیرکانه از مهارت هوش سیاسی در مدارس بسیار اهمیت دارد؛ زیرا هوش سیاسی به دنبال سود گروهی (اسمیت،<sup>۳</sup> ۲۰۱۰) و مدیریت زیرکانه رفتار در شرایط کاری و محیطی است (فریس<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). هوش سیاسی بر افزایش اعتماد به نفس افراد در وارد شدن به مجالس و محافل، برقراری ارتباط با دیگران در اجتماع، مفید بودن برای جامعه، قابل احترام و اعتماد بودن برای دیگران اثر می‌گذارد. به گفته سانتوسو<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۳b)، تعمیق و توسعه هوش سیاسی موجب بهبود و تقویت آموزش مدنی در مدارس، و شکل‌گیری چالش‌ها و پیامدها در بهبود صلاحیت‌ها، شایستگی‌ها و عملکردها می‌شود. هوش سیاسی، هنر مدیریت، و درک و فهم عمیق سیاست‌ها و احساسات سیاسی از جمله تربیت شهروندی است که زمینه مدیریت بهینه را فراهم می‌کند (بلیکله و همکاران، ۲۰۱۱). هوش سیاسی هنر بسیج افراد برای اجرای آموزش و تربیت شهروندی است. هوش سیاسی با زمینه‌سازی ارتباطات و تعاملات مناسب کاری هم‌ردیفان، زبردستان، بالادستان و ذی‌نفعان داخلی و خارجی شرایط را برای تحقق

- 
1. Schugurensky & Myers
  2. Blickle
  3. Schmidt
  4. Ferris
  5. Santoso

مؤلفه‌های تربیت شهروندی را مساعد نموده و موجبات پیشرفت را فراهم می‌سازد (آتش‌پور و لندرانی اصفهانی، ۱۳۸۶). با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی در داخل و خارج کشور به بررسی رابطه هوش سیاسی با تربیت شهروندی نپرداخته، این پژوهش ضمن پوشش دادن خلأ تحقیقاتی در این زمینه و پاسخ‌گویی به این سؤال است که هوش سیاسی بر تربیت شهروندی دانش‌آموزان پایه دوازدهم شهرستان خاش مؤثر است؟ بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش کرده است اثر آموزش هوش سیاسی بر تربیت شهروندی در دانش‌آموزان پایه دوازدهم شهرستان خاش را بررسی کند.

## ۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی درباره تأثیر آموزش هوش سیاسی بر تربیت شهروندی دانش‌آموزان در ایران انجام نشده است؛ لذا همین موضوع مبین نو بودن پژوهش حاضر، و مهم‌ترین وجه تمایز آن با سایر مطالعات موجود، ارتباط بین هوش سیاسی و تربیت شهروندی است. از این رو، در پیشینه به پژوهش‌هایی اشاره شده که نزدیک به موضوع پژوهش حاضر است. آل داود (۱۴۰۲) در تأیید این یافته، تحقیق ارتباط بین هوش با مسئولیت‌پذیری را مؤثر خوانده و نتیجه گرفته است هوش هیجانی با مسئولیت‌پذیری رابطه مثبت و معناداری دارد. جهانگیری و عبدی (۱۴۰۲) نیز پا را فراتر گذاشته و کیفیت زندگی شهروندی را متأثر از عوامل مختلفی از جمله هوش دانسته و تأکید کرده‌اند از میان ابعاد متغیر اعتماد به نفس، مقیاس تحصیلی و شغلی با ۴۱/۲ درصد در رتبه نخست، مقیاس اجتماعی با ۳۴/۴ درصد در رتبه دوم، مقیاس خانوادگی ۲۳/۱ درصد در رتبه سوم، مقیاس عمومی با ۱۹/۱۵ درصد در رتبه چهارم و مقیاس دروغ با منفی ۱۸/۹ درصد، بر کیفیت زندگی تأثیرگذارند. آنان همچنین دریافته‌اند تأثیر هوش هیجانی بر اعتماد به نفس در مدل پژوهش ۲۱/۹ درصد است. ربیعی و همکاران (۱۳۹۹) نیز مدل ارتباطی هوش اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تدوین و تأیید کرده‌اند که بین هوش اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تمام مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری (اقتصادی، قانونی، اخلاقی و بشردوستانه) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب اندازه اثر هوش اجتماعی بر

مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شامل مؤلفه‌های بشردوستانه ۵۳۰/۰، قانونی ۷۲۰/۰، اخلاقی ۷۳۹/۰ و اقتصادی ۷۲۸/۰ است. آنان نتیجه گرفته‌اند که هوش اجتماعی به‌عنوان مؤلفه مهم سرمایه انسانی بر ابعاد مختلف اخلاقی، اقتصادی و قانونی مسئولیت‌پذیری اجتماعی اثرگذار است. علی‌پور و همکاران (۱۳۹۹) ادراک معلمان از نقش برنامه درسی در بهبود تربیت شهروندی دانش‌آموزان ابتدایی را بررسی و اضافه کرده است. از دید معلمان، برنامه درسی توانسته است در رفتارهای دانشی (۳/۱۵)، رفتارهای فرهنگی-ملمی (۳/۶۳) و رفتارهای اجتماعی (۳/۵۱) در حد متوسط به بالا، و در تربیت شهروند الکترونیک (۳/۰۷) در حد مطلوب نقش داشته باشد. دولتی و همکاران (۱۳۹۸) میزان اثربخشی آموزش هوش شخصی و هوش موفق بر اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان تیزهوش را واکاوی و تصریح کرده است. برنامه آموزشی هوش شخصی و موفق بر اعتمادبه‌نفس تأثیر دارد و آن را افزایش می‌دهد، و نقش مهمی در جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی، سلامت جسمانی، روانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش دارد. کوچک‌زاده و جلالی (۱۳۹۶)، تأثیر هوش سیاسی بر تعهد سازمانی با نقش میانجی فرهنگ سازمانی را واکاوی نموده و تأکید کرده که هوش سیاسی بر تعهد سازمانی تأثیرگذار است، و فرهنگ سازمانی رابطه بین هوش سیاسی و تعهد سازمانی را تعدیل کرده است. قنبری و همکاران (۱۳۹۳) رابطه بین اخلاق سازمانی با نهادینه‌سازی رفتار شهروندی سازمانی را بررسی کرده و نشان داده‌اند که بین اخلاق سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی معلمان، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. ازسوی دیگر بین هریک از ابعاد رفتار اخلاقی با رفتار شهروندی سازمانی نیز رابطه مثبت و معنادار وجود داشته است.

سانتوسو و همکاران (۲۰۲۳a) نقاط قوت، ضعف و الگوی برنامه درسی در آموزش شهروندی در اندونزی را مطالعه و تأکید کرده‌اند که برنامه‌های درسی در اندونزی طی سال‌های ۱۹۴۷ تا ۲۰۲۲، ۹ بار تغییر کرده و بر رشد آموزش مدنی تأثیر گذاشته است. فلاق<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) با اشاره به نقش آموزش شهروندی در آموزش عالی به‌عنوان سنگر شخصیت

ملت‌ها در مواجهه با عصر مدرن تأکید کرده است. دانش‌آموزان برای مواجهه با چالش‌های دنیای امروزی، به مهارت‌های اجتماعی رهبری، سواد دیجیتال، ارتباطات، هوش عاطفی، اجتماعی و معنوی، هوش هیجانی، هوش سیاسی، و کارآفرینی نیاز دارند. فراستنزر<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) آموزش، شهروندی فعال و هوش اجتماعی کاربردی را ابزارهای مؤثر دموکراتیک برای مقابله با تغییرات اقلیمی-اجتماعی عنوان و تصریح کرده است. آموزش امروزی پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی، اقلیمی و فرهنگی مدرن نیست. فاس و راس<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) کتاب‌های درسی دوره ابتدایی را از لحاظ توجه به مؤلفه‌های تربیت شهروندی مورد تحلیل انتقادی قرار داده و استدلال کرده‌اند که برنامه درسی دوره ابتدایی نسبت به دوره راهنمایی، بر سرنوشت و نقش فعال شهروند در جامعه حاضر تأکید بیشتری دارد. اسکوزن<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) از آموزش مدنی به عنوان عنصر مجهول شهروند عملیاتی یاد و بر ایجاد تعادل بین آزادی و مسئولیت در مدارس امروز تأکید و تصریح کرده است که برنامه‌های درسی جدید، دانش‌آموزان را به تأیید جایگاه شهروند دموکراتیک تشویق می‌کند. وی فقدان آزادی و حقوق را عامل تبدیل مدارس به مکان‌های غیردموکراتیک عنوان و تأکید کرده است که دانش‌آموزان مدارس که آزادی می‌دهند و اعتماد می‌کنند، مسئولیت‌پذیرتر و به لحاظ اجتماعی فعال‌ترند. چپودو<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) درک مفهوم شهروندی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی در آمریکا را مورد مطالعه قرار داده و نشان داده است کمک به دیگران، اطاعت از قانون، میهن‌پرستی و احترام به دیگران از مؤلفه‌های شهروندی مطلوب در آمریکاست. به زعم اسمیت<sup>۵</sup> و همکارانش (۲۰۰۵)، توانایی گفت‌وگو، برنامه‌ریزی مالی، انتخاب صحیح، مهارت‌های رسانه‌ای، کسب سرمایه، انتخاب همسر متعهد به جامعه، استفاده از فناوری برای فعالیت گروهی، استفاده از اینترنت برای فعالیت شهروندی، مسئولیت در برابر توسعه، مشورت و انتخاب، از نیازهای ضروری شهروندان در فراگیری مهارت‌های اجتماعی است. همان‌طور که سوابق تحقیق نشان

- 
1. Forstenzer
  2. Faas & Ross
  3. Skogen
  4. Chiodo
  5. Smith

می‌دهد، تاکنون هیچ پژوهشی نه در داخل و نه در خارج از کشور، اثر هوش سیاسی بر تربیت شهروندی را بررسی نکرده است. بنابراین، مطالعه حاضر تلاش کرده است اثر آموزش هوش سیاسی بر تربیت شهروندی در دانش‌آموزان پایه دوازدهم شهرستان خاش را بررسی و به این سؤال که «آیا هوش سیاسی بر تربیت شهروندی دانش‌آموزان پایه دوازدهم مؤثر است؟» پاسخ دهد. بر این اساس، اهداف پژوهش شامل بررسی تأثیر آموزش هوش سیاسی بر تربیت شهروندی به‌طور عام و بررسی تأثیر آموزش هوش سیاسی بر مؤلفه قانونمندی، مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان پایه دوازدهم شهرستان خاش به‌طور خاص است. فرضیات تحقیق حاضر تبیین‌کننده میزان اثر هوش سیاسی بر تحقق تربیت شهروندی به‌طور کلی و قانونمندی، مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان پایه دوازدهم شهرستان خاش به‌طور جزئی است.

### ۳. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر شبه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است. نگاره این طرح به‌صورت جدول ۱ است.

جدول ۱: نگاره طرح پژوهش

| گروه‌ها      | گمارش تصادفی | پیش‌آزمون | متغیر مستقل | پس‌آزمون |
|--------------|--------------|-----------|-------------|----------|
| گروه آزمایشی | R            | T1        | x           | T2       |
| گروه کنترل   | R            | T1        | -           | T2       |

در این پژوهش، افراد به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و با گزینش تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. قبل از اجرای متغیر مستقل، آزمودنی‌های انتخاب‌شده در هر دو گروه به‌وسیله پیش‌آزمون مورد ارزیابی قرار گرفتند. سپس متغیر مستقل (هوش سیاسی) در مورد گروه آزمایش اعمال شد؛ ولی در مورد گروه کنترل این کار صورت نگرفت. در انتها از هر دو گروه آزمایش و کنترل، پس‌آزمون گرفته شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانش‌آموزان پایه دوازدهم دختر شهر خاش

مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بودند. در این پژوهش، نمونه‌گیری به صورت در دسترس انتخاب شده است و به صورت تصادفی (شماره‌گذاری تصادفی و سپس تقسیم افراد نمونه به دو گروه زوج و فرد) به گروه‌های آزمایش و کنترل گمارده شدند؛ و از آن‌ها پیش‌آزمون و پس‌آزمون به عمل آمد. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش براساس متغیرهای تحقیق، پرسش‌نامه بود. این پرسش‌نامه در چهار بعد دارای ۱۸ سؤال و شامل ابعاد (قانون‌گرایی، روحیه مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری، اعتمادبه‌نفس) بوده؛ که سؤالات هر بعد در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ابعاد و گویه‌های تربیت شهروندی

| سؤالات مربوطه | بعد               |
|---------------|-------------------|
| ۱ تا ۶        | قانون‌گرایی       |
| ۷ تا ۱۰       | روحیه مشارکت‌جویی |
| ۱۱ تا ۱۴      | مسئولیت‌پذیری     |
| ۱۵ تا ۱۸      | اعتمادبه‌نفس      |

طیف پاسخ‌گویی آن از نوع لیکرت بوده که امتیاز مربوط به هر گزینه در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳: نحوه امتیازبندی سؤالات تربیت شهروندی

| گزینه  | کاملاً مخالفم | مخالفم | نظری ندارم | موافقم | کاملاً موافقم |
|--------|---------------|--------|------------|--------|---------------|
| امتیاز | ۱             | ۲      | ۳          | ۴      | ۵             |

درباره سؤال شماره ۵ این شیوه نمره‌گذاری معکوس شده و به صورت جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: امتیازبندی سؤال ۵ مقیاس پژوهش

| گزینه  | کاملاً مخالفم | مخالفم | نظری ندارم | موافقم | کاملاً موافقم |
|--------|---------------|--------|------------|--------|---------------|
| امتیاز | ۵             | ۴      | ۳          | ۲      | ۱             |



بر اساس این روش از تحلیل، نمره‌های به‌دست‌آمده را جمع کرده و سپس بر اساس جدول ۵ قضاوت شده است. میزان امتیازهای زیر برای یک پرسش‌نامه است حد پایین نمرات پرسش‌نامه به طریق زیر به دست آمده است.

تعداد سؤالات پرسش‌نامه \* ۱ = حد پایین نمره

جدول ۵: مقادیر نمره پرسش‌نامه

| حد پایین نمره | حد متوسط نمرات | حد بالای نمرات |
|---------------|----------------|----------------|
| ۱۸            | ۵۴             | ۹۰             |

نمره بین ۱۸ تا ۳۶: تربیت شهروندی فرد، ضعیف است.

نمره بین ۳۶ تا ۵۴: تربیت شهروندی فرد، متوسط است.

نمره بالاتر از ۵۴: تربیت شهروندی فرد، قوی است.

در راستای اعتبار و پایایی پرسش‌نامه در پایان‌نامه تابش (۱۳۹۱)، روایی صوری این پرسش‌نامه به تأیید دو تن از استادان گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور رسید. همچنین پایایی پرسش‌نامه یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد. معمولاً دامنه ضریب اعتماد آلفای کرونباخ از صفر (۰) به معنای عدم پایداری، تا مثبت یک (+۱) به معنای پایایی کامل قرار می‌گیرد و هرچه مقدار به‌دست‌آمده به عدد +۱ نزدیک‌تر باشد، قابلیت اعتماد پرسش‌نامه بیشتر می‌شود. آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه تربیت شهروندی در جدول ۶ ارائه شده است:

جدول ۶: مقدار آلفای کرونباخ در پرسش‌نامه تربیت شهروندی

| آلفای کرونباخ | بعد               |
|---------------|-------------------|
| ۷۱/۰          | قانون‌گرایی       |
| ۷۶/۰          | روحیه مشارکت‌جویی |
| ۶۹/۰          | مسئولیت‌پذیری     |
| ۷۰/۰          | اعتماد به نفس     |

به‌طور خلاصه، روش پژوهش حاضر، شبه‌آزمایشی به روش پیش‌آزمون و پس‌آزمون، و جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه دوازدهم خاش بوده است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق در دسترس و به‌شکل تصادفی در قالب دو گروه آزمایش و کنترل بود. قبل از

بررسی متغیر آزمایشی هوش سیاسی، پاسخ‌گویان مورد پیش‌آزمون قرار گرفتند و سپس متغیر مستقل هوش سیاسی در قالب چهار جلسه بین آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که گروه کنترل مورد دست‌کاری قرار نگرفت و این مداخله فقط در گروه آزمایش اتفاق افتاد. در پایان هم، از دو گروه آزمایش و کنترل پس‌آزمون به عمل آمد.

**آموزش هوش سیاسی:** ابتدا روایی محتوایی برنامه آموزشی هوش سیاسی توسط استادان تأیید شد و سپس به گروه آزمایش جلسات مشاوره متغیر هوش سیاسی ارائه گردید؛ به طوری که به گروه کنترل مشاوره‌ای انجام نشد. هفته‌ای یک جلسه و در بازه زمانی ۹۰ دقیقه‌ای انجام پذیرفت:

#### جدول ۷: خلاصه ساختار جلسات آموزش هوش سیاسی

|            |  |
|------------|--|
| جلسه اول   | هدف‌های این جلسه: ۱. ابتدا از اعضا به‌خاطر حضورشان تشکر و قدردانی شد؛ ۲. آموذنی‌ها نسبت به هدف مشاوره شناخت پیدا کردند؛ ۳. مقررات جلسه مشاوره برای اعضا بازگو شد؛ ۴. اقدام برای آشنایی اعضا با یکدیگر.<br>تکلیف: افراد به یکدیگر معرفی شوند.   |
| جلسه دوم   | اهداف این جلسه: ۱. حال‌وهوای خودمانی در بین اعضا انجام گرفت؛ ۲. ذهن اعضا را در برابر تعریف هوش سیاسی درگیر کردیم؛ ۳. هوش سیاسی تعریف شد.<br>تکلیف: به چه مهارت‌هایی شناخت دارند و تا چه اندازه از هوش سیاسی آشنایی اولیه دارند.  |
| جلسه سوم   | اهداف: معرفی مؤلفه‌های اصلی هوش سیاسی، آشنایی فراگیران با مؤلفه‌های هوش سیاسی، مؤلفه‌های هوش سیاسی شامل بازی‌های اجتماعی، پویایی قدرت، شخصیت‌سازی، مدیریت اثربخش استرس و دانش کاربردی، رفتار فشاری، رفتار کششی.<br>تکلیف: بررسی شاخص‌ها و ویژگی‌های خود و قید کردن نقاط ضعف و قوت خود. |
| جلسه چهارم | اهداف: ۱. بررسی جلسه قبل و مرور آن؛ ۲. در پایان آموزش از اعضا خواسته شد هرچیزی را که دوست دارند قید کنند. همچنین خواسته شد پیشنهادات و انتقادات از آموزش جلسات را اعلام کنند. در انتها پس‌آزمون از اعضا گرفته و از حضور آنان قدردانی شد.   |

**مقیاس تربیت شهروندی:** این مقیاس حاوی ۱۸ سؤال و شامل مؤلفه‌های قانون‌گرایی، مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و اعتمادبه‌نفس است. نحوه پاسخ‌گویی به این پرسش‌نامه به‌شکل طیف لیکرت در قالب این پاسخ‌هاست: ۱. کاملاً مخالفم؛ ۲. مخالفم؛ ۳. نظر ندارم؛ ۴. موافقم؛ ۵. کاملاً موافقم. همچنین سؤال ۵ این پرسش‌نامه به‌شکل معکوس طرح شد.

براساس نمره‌بندی این پرسش‌نامه امتیاز ۱۸ و ۳۶ ضعیف، امتیاز ۳۷ تا ۵۴ متوسط، و امتیاز بالاتر از ۵۴ خیلی قوی است. روایی این پرسش‌نامه در پایان‌نامه تابش (۱۳۹۱) تأیید شد. پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر براساس آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، از مقیاس تربیت شهروندی تابش (۱۳۹۱) به‌عنوان پیش‌آزمون-پس‌آزمون استفاده شد و مداخله آموزش هوش سیاسی در ۴ جلسه (هر جلسه یک هفته) روی آن‌ها اجرا گردید. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل داده‌ها حاکی از آن بود که رویکرد هوش سیاسی ( $\beta=0/92$ ) بر تربیت شهروندی مؤثر بوده است؛ همچنین نتایج حاکی از تأثیر زیاد هوش سیاسی بر تربیت شهروندی بود و اختلاف معناداری در نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش ایجاد کردند. براساس یافته‌های تحقیق، اندازه اثر متغیر هوش سیاسی بر مؤلفه تربیت شهروندی (قانون‌گذاری، مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و اعتمادبه‌نفس) به‌ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۶، ۰/۷۳ و ۰/۷۹ درصد بوده است. به‌طور کلی، متغیر هوش سیاسی ۰/۹۲ بر تربیت شهروندی تأثیر معنادار داشته است.

جدول ۸: میانگین و انحراف‌معیار متغیر تربیت شهروندی و مؤلفه‌های آن در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

#### دو گروه

| گروه‌ها   | آزمون        | آماره | نمره کل | قانونمندی | روحیه مشارکت‌جویی | مسئولیت‌پذیری | اعتمادبه‌نفس |
|-----------|--------------|-------|---------|-----------|-------------------|---------------|--------------|
| پیش‌آزمون | میانگین      | ۶۶/۸۶ | ۲۱/۸۶   | ۱۵/۳۳     | ۱۳/۹۳             | ۱۵/۷۳         |              |
|           | انحراف‌معیار | ۶/۰۱  | ۲/۱۳    | ۲/۳۵      | ۲/۴۳              | ۱/۸۳          |              |
| پس‌آزمون  | میانگین      | ۷۸/۶۶ | ۲۴/۶۰   | ۱۸/۵۳     | ۱۷/۶۶             | ۱۷/۸۶         |              |
|           | انحراف‌معیار | ۱/۹۵  | ۰/۷۳    | ۰/۹۱      | ۰/۶۱              | ۱/۱۲          |              |
| پیش‌آزمون | میانگین      | ۶۵/۶۰ | ۲۱/۶۶   | ۱۴/۶۰     | ۱۴/۱۳             | ۱۵/۲۰         |              |
|           | انحراف‌معیار | ۵/۶۶  | ۲/۶۰    | ۱/۹۵      | ۲/۶۶              | ۲/۲۷          |              |
| کنترل     | میانگین      | ۵۹/۴۶ | ۱۹/۶۶   | ۱۳/۵۳     | ۱۲/۷۳             | ۱۳/۵۳         |              |
|           | انحراف‌معیار | ۳/۵۴  | ۱/۷۹    | ۱/۸۸      | ۱/۸۳              | ۱/۱۸          |              |

جدول ۸ نشان می‌دهد میانگین و انحراف معیار پیش‌آزمون متغیر تربیت شهروندی در گروه آزمایش به ترتیب ۶۶/۸۶ و ۶/۰۱ و در گروه کنترل ۶۵/۶۰ و ۵/۶۶ بوده است. میانگین و انحراف معیار پس‌آزمون متغیر تربیت شهروندی در گروه آزمایش به ترتیب ۷۸/۶۶ و ۱/۹۵ و در گروه کنترل ۵۹/۴۶ و ۳/۵۴ بوده است. بر این اساس، میانگین گروه آزمایش در گروه تحت آموزش در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون و همچنین نسبت به پس‌آزمون گروه کنترل، افزایش بسیاری داشته و این نشان تأثیر آموزش هوش سیاسی بر آزمودنی‌هاست.

جدول ۹: خروجی لوین برای ثابت بودن واریانس در بین گروه‌های کنترل و آزمایش

| متغیر         | درجه آزادی ۱ | درجه آزادی ۲ | F    | سطح معناداری |
|---------------|--------------|--------------|------|--------------|
| تربیت شهروندی | ۱            | ۲۸           | ۲/۲۳ | ۰/۱۴         |

با توجه به خروجی جدول ۹ سطح معناداری آزمون بالاتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین واریانس دو گروه کنترل و آزمایش در رابطه بین هوش سیاسی و تربیت شهروندی ثابت و همگن است.

جدول ۱۰: آزمون همگنی شیب رگرسیون دو گروه آزمایش و کنترل

| منبع تغییرات   | مجموع مجذورات | درجه آزادی | F     | سطح معناداری |
|----------------|---------------|------------|-------|--------------|
| گروه           | ۱۸۹/۶         | ۱          | ۴۰/۹  | ۰/۰۵         |
| پیش‌آزمون      | ۲۵/۷          | ۱          | ۵/۵   | ۰/۰۶         |
| پیش‌آزمون*گروه | ۸۸/۱          | ۱          | ۱۹/۰۴ | ۰/۰۷         |
| خطا            | ۱۲۰/۳         | ۲۶         |       |              |
| کل             | ۱۴۶۱۰۰/۰۰     | ۳۰         |       |              |

برای بررسی همگنی شیب رگرسیون، تعامل متغیر مستقل با متغیرهای همپارش، مورد بررسی قرار گرفتند. با توجه به جدول بالا، سطوح معنی‌داری (sig)، تعامل متغیر مستقل (گروه)، با دو متغیر همپارش از ۰/۰۵ بیشتر است و معنادار نیست. بنابراین با اطمینان می‌توانیم بگوییم شرط همگنی شیب رگرسیون، برای انجام تحلیل کواریانس برقرار است.

جدول ۱۱: خروجی تحلیل کوواریانس چندراهه برای بررسی میزان اثر هوش سیاسی بر تربیت

شهروندی و مؤلفه‌های آن

| متغیر         | منبع تغییرات   | مجموع مجذورات | درجه آزادی | F     | سطح معناداری | توان آزمون | اندازه اتا |
|---------------|----------------|---------------|------------|-------|--------------|------------|------------|
| قانون‌گذاری   | پیش‌آزمون گروه | ۱۱/۳          | ۱          | ۷/۳   | ۰/۰۱۱        | ۰/۷۴       | ۰/۲۱       |
| مشارکت‌جویی   | پیش‌آزمون گروه | ۹/۱           | ۱          | ۴/۶   | ۰/۰۳۹        | ۰/۵۵       | ۰/۱۴       |
| مسئولیت‌پذیری | پیش‌آزمون گروه | ۱۶/۰۸         | ۱          | ۱۲/۰۰ | ۰/۰۰۲        | ۰/۹۱       | ۰/۳۰       |
| اعتمادبه‌نفس  | پیش‌آزمون گروه | ۱/۸           | ۱          | ۱۳۹/۲ | ۰/۰۰۰        | ۱/۰۰       | ۰/۸۳       |
| تربیت شهروندی | پیش‌آزمون گروه | ۱۳۴/۱         | ۱          | ۱۰۱/۷ | ۰/۰۰۰        | ۱/۰۰       | ۰/۷۹       |
|               | پیش‌آزمون گروه | ۲۰/۵          | ۱          | ۲/۶   | ۰/۰۰۴        | ۰/۳۵       | ۰/۰۹       |
|               | گروه           | ۲۶۷۷/۸        | ۱          | ۳۴۶/۷ | ۰/۰۰۰        | ۱/۰۰       | ۰/۹۲       |

بر اساس جدول ۱۱، مقدار F در متغیر تربیت شهروندی و مؤلفه‌های آن معنادار است. بر این اساس، اندازه اثرگذاری متغیر هوش سیاسی بر مؤلفه تربیت شهروندی (قانون‌گذاری، مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و اعتمادبه‌نفس) به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۶، ۰/۷۳ و ۰/۷۹ درصد بوده است. به‌طور کلی نتایج نشان داد متغیر هوش سیاسی ۰/۹۲ بر تربیت شهروندی تأثیر معنادار داشته است.

##### ۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر هوش سیاسی بر تربیت شهروندی و مؤلفه‌های آن اجرا شد. نتایج نشان داد هوش سیاسی بر تربیت شهروندی و مؤلفه‌های آن مؤثر است. متغیر هوش سیاسی با اندازه اثر بالایی متغیر تربیت شهروندی و مؤلفه‌های آن را پیش‌بینی می‌کند؛ یعنی برنامه آموزشی مؤثر بوده و باعث شده میزان اثرگذاری هوش سیاسی بر تربیت شهروندی و مؤلفه‌های آن در گروه آزمایش به‌طور معناداری از گروه کنترل بیشتر باشد. در تبیین نتایج می‌توان گفت افزایش درک هوش سیاسی، موفقیت افراد را افزایش،

اضطراب را کاهش و روابط خارجی را بهبود می‌بخشد. افراد با هوش سیاسی بالا توانایی افزایش عملکرد گروهی را دارند. هوش سیاسی برای رشد دانش‌آموزان در مدارس ضروری است؛ به‌ویژه هوش سیاسی به افراد در درک شیوه‌های نفوذ، منابع قدرت، ناسازگاری‌ها و ارزش‌های مدارس کمک می‌کند. هوش سیاسی یک مهارت ضروری برای دانش‌آموزان است که حمایت در تصمیم‌گیری از طریق ارزیابی محیط را ایجاد می‌کند. افراد باید پایگاه‌های قدرت و راه‌های نفوذ را به‌درستی بشناسند تا بتوانند در مواقع نیاز، تصمیماتی که منافع شخصی و سازمانی را در بردارد، اتخاذ کنند. بنابراین تقویت مؤلفه‌های هوش سیاسی در دانش‌آموزان (بازی‌های اجتماعی، پویایی قدرت، شخصیت‌سازی و مدیریت اثربخش استرس و دانش کاربردی، رفتار فشاری و رفتار کششی) در ارتقا و بهبود مؤلفه‌های تربیت شهروندی نقش مؤثری دارد. گلشاهی و همکاران (۱۳۹۹) در تأیید این یافته تحقیق، از رهبران سیاسی کشورها به‌عنوان نماینده کشورها، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی یاد و تأکید کرده‌اند که رهبران سیاسی با به‌کارگیری قدرت، اعمال نفوذ و هوش سیاسی در حل و فصل منازعات و کسب موفقیت‌های سیاسی نقش اساسی دارند. منظور هوش سیاسی توانایی شناسایی و مدیریت مؤثر پایگاه‌های قدرت و جهت‌دهی آن‌ها برای کسب منافع سیاسی است (گلشاهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۰۵). گلشاهی و همکاران (۱۳۹۹) اعتقاد دارند رهبرانی که از هوش سیاسی بیشتری برخوردارند، سیاست را فرصتی برای کسب هم‌زمان چندین هدف برخوردارند. این افراد در عمل، کمتر دچار تعارض منافع شخصی و جمعی می‌شوند و در ایجاد شبکه و ائتلاف‌های سیاسی رفتار اثربخش‌تری از خود ارائه می‌دهند. یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که هوش سیاسی و مؤلفه قانونمندی نیز باهم ارتباط معناداری دارند؛ به‌گونه‌ای که هوش سیاسی در افزایش احترام افراد به قانون، اجرای یکنواخت و با قدرت قانون و در زیر پا نگذاشتن قانون تأثیرگذار است. در تبیین نتایج این یافته می‌توان گفت که داشتن قانون، و اهمیت در قانون‌گذاری و قانون‌پذیری، احترام به قانون و اجرای قانون در محیط‌های

تحصیلی به‌عنوان یک تربیت شهروندی روشمند محسوب می‌شود؛ که برای دستیابی به آن بهره‌گیری از هوش سیاسی الزامی است. هوش سیاسی هنر مدیریت سیاست‌هاست؛ بنابراین هوش سیاسی برای توسعه روابط اثربخش سازمان‌ها و بهبود سطوح مختلف عملکردها به کار می‌رود. آموزش آن برای مدارس و دانش‌آموزان به‌نحوی مثبت در عملکرد سیاست‌های آنان تأثیرگذار است. همچنین تمایل به قدرت در محیط سازمانی منجر به بهره‌گیری از هوش سیاسی و رفتار سیاسی در افراد جهت پیشرفت و ارتقای مقام در سطوح عمودی سازمان شده و افراد را به سمت رفتار قانون‌مندان سوق می‌دهد. سروری لاله و موسوی (۱۳۹۹) نیز در تأیید این یافته تحقیق از هوش سیاسی به‌مثابه عامل مؤثر در روابط مدیران با اعضای سازمان و حل تعارضات یاد و تصریح کرده‌اند که بین هوش سیاسی مدیران آژانس‌ها و مدیریت تعارض آن‌ها رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین بین هوش سیاسی مدیران آژانس‌ها با مؤلفه‌های همکاری، رقابت، مصالحه و سازش رابطه مثبت معناداری وجود دارد، ولی بین هوش سیاسی مدیران آژانس‌ها با مؤلفه اجتناب رابطه معناداری وجود ندارد و بین مؤلفه‌های بازی‌های سیاسی، پویایی‌های قدرت، شخصیت سیاسی، صداقت آشکار و تسخیر احساسات با مدیریت تعارض رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

یافته‌های تحقیق همچنین نشان داد هوش سیاسی بر مؤلفه روحیه مشارکت‌جویی و افزایش این مؤلفه تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، هوش سیاسی در افزایش مشارکت دانش‌آموزان در موفقیت و پیشرفت مدرسه، هم‌فکری و مشارکت گروهی در راه رسیدن به امنیت اجتماعی، آزادی و افزایش مشارکت افراد برای رسیدن به اهداف فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. مشارکت شهروندان در امور جامعه از ارکان اساسی نظام مردم‌سالاری و جامعه مدنی است؛ زیرا در جامعه، مدنیت شهروندان براساس میزان مشارکت آنان در مسائل عمومی مشخص می‌شود. مشارکت مدنی شهروندان موجب قاعده‌سازی و فرمول‌بندی سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مؤثر بر جامعه مؤثر می‌شود. هوش سیاسی در مدارس موجب افزایش مشارکت‌جویی و شرکت فعالانه دانش‌آموزان در امور

مدرسه می‌شود؛ زیرا مسئولیت‌ها را ارتقا می‌دهد و شیوه رفتارهای صحیح را آموزش می‌دهد. علاوه بر این، هوش سیاسی ایجاد پایگاه قدرت، یارگیری و کنترل در سازمان را در پی دارد و به دنبال آن میزان مشارکت فرد افزایش می‌یابد. روحی و همکاران (۱۴۰۱) در تأیید این یافته تحقیق از اثرگذاری هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمانی خبر داده و نتیجه گرفته‌اند که ۶۸ درصد از تأثیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمانی از طریق غیرمستقیم توسط متغیر میانجی هوش سیاسی تبیین می‌شود. آنان تأکید کرده‌اند که ۵۵ درصد از تأثیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمانی، متأثر از متغیر میانجی هوش سیاسی است.

یافته‌های تحقیق همچنین از اثرگذاری هوش سیاسی بر مؤلفه مسئولیت‌پذیری حکایت دارد. هوشیاری در برابر سوءاستفاده‌ها، در نظر گرفتن دیگران، برقراری ارتباط با دیگران، شناخت خطر، آشناسازی با تفکر انتقادی از ابعاد اثرگذاری هوش سیاسی بر تربیت شهروندی به شمار می‌رود. دانش‌آموزان را در قبال جامعه مسئولیت‌پذیر بار آورده و آن‌ها را برای استفاده از حقوق شهروندی مهیا می‌سازد. هوش سیاسی با پاسخ‌گو کردن افراد و توجه به ارزش‌ها و غیرارزش‌ها بر افزایش مسئولیت‌پذیری فرد در قبال دیگران تأثیرگذار است. آل داود (۱۴۰۲) در تأیید این یافته تحقیق، ارتباط بین هوش با مسئولیت‌پذیری کارکنان در بیمه آسیا استان آذربایجان شرقی را مؤثر خوانده و نتیجه گرفته است هوش هیجانی با مسئولیت‌پذیری کارکنان در بیمه آسیا استان آذربایجان شرقی رابطه مثبت و معناداری دارد. ربیعی و همکاران (۱۳۹۹) نیز مدل ارتباطی هوش اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تدوین و تأیید کرده‌اند که بین هوش اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تمام مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری (اقتصادی، قانونی، اخلاقی و بشردوستانه) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب اندازه اثر هوش اجتماعی بر مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شامل مؤلفه‌های بشردوستانه ۵۳۰/۰، قانونی ۷۲۰/۰، اخلاقی ۷۳۹/۰ و اقتصادی ۷۲۸/۰ است. آنان نتیجه گرفته‌اند هوش اجتماعی به‌عنوان



مؤلفه مهم سرمایه انسانی بر ابعاد مختلف اخلاقی، اقتصادی و قانونی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشجویان ناجا اثرگذار است.

نتایج تحقیق همچنین از ارتباط هوش سیاسی و مؤلفه‌ای اعتمادبه‌نفس حکایت می‌کند؛ بدین معنا که هوش سیاسی بر افزایش اعتمادبه‌نفس افراد در وارد شدن به مجالس و محافل، برقراری ارتباط با دیگران در اجتماع، مفید بودن برای جامعه، قابل احترام و اعتماد بودن برای دیگران اثر می‌گذارد. با توجه به اینکه اعتمادبه‌نفس بالا یکی از نیازهای مهم هر فردی است و هر فرد باید در زندگی خود از اعتمادبه‌نفس بالایی برخوردار باشد تا احساس مفید بودن و خوشبختی کند. راه‌های افزایش آن در دانش‌آموزان یکی از الزامات مهم مدیران مدارس است. این یافته تحقیق نیز از سوی تعدادی از محققان و صاحب‌نظران مورد تأیید قرار گرفته است. دولتی و همکاران (۱۳۹۸) میزان اثربخشی آموزش هوش شخصی و هوش موفق بر اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان تیزهوش را واکاوی و تصریح کرده است که برنامه آموزشی هوش شخصی و موفق بر اعتمادبه‌نفس تأثیر دارد و آن را افزایش می‌دهد و نقش مهمی در جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی، سلامت جسمانی، روانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش دارد. جهانگیری و عبدی (۱۴۰۲) نیز پا را فراتر گذاشته و کیفیت زندگی شهروندی را متأثر از عوامل مختلفی از جمله هوش دانسته و تأکید کرده‌اند که از میان ابعاد متغیر اعتمادبه‌نفس، مقیاس تحصیلی و شغلی با ۴۱/۲ درصد در رتبه نخست، مقیاس اجتماعی با ۳۴/۴ درصد در رتبه دوم، مقیاس خانوادگی ۲۳/۱ درصد در رتبه سوم، مقیاس عمومی با ۱۹/۱۵ درصد در رتبه چهارم و مقیاس دروغ با منفی ۱۸/۹ درصد، بر کیفیت زندگی تأثیرگذارند. آنان همچنین دریافته‌اند تأثیر هوش هیجانی بر اعتمادبه‌نفس در مدل پژوهش ۲۱/۹ درصد است. همچنین میزان بتای رابطه کیفیت زندگی متأهلان و هوش هیجانی در مدل نخست ۰/۴۶۹ و در مدل دوم ۰/۵۳۹ به دست آمد و متغیر تعدیلگر اعتمادبه‌نفس، نقش افزایشی دارد و میزان آن ۰/۲۷۴ به دست آمده است و نقش تعدیلگری اعتمادبه‌نفس از نظر آماری معنا دار بود.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به نبود منابع برای پیشینه‌های تجربی پژوهش، محدودیت عدم صداقت در پاسخ‌گویی و... در استفاده از ابزارهای خودسنجی مانند پرسش‌نامه، عدم امکان و یا احتیاط در تعمیم نتایج این پژوهش به دانشجویان و گروه‌های دیگر اشاره کرد. به‌منظور بهره‌گیری بیشتر از هوش سیاسی در تربیت شهروندی پیشنهاد می‌شود:

۱. تقویت ارتباطات و تعاملات فردی و اجتماعی برای توسعه مشارکت‌جویی، تقویت اعتمادبه‌نفس، گسترش مسئولیت‌پذیری، و افزایش وفاداری به قانون؛
۲. توجه به هوش سیاسی معلمان در جلب مشارکت دانش‌آموزان، تعمیق اعتمادبه‌نفس، افزایش مسئولیت‌پذیری و قانونمندی دانش‌آموزان؛
۳. تقویت و افزایش آموزش‌های هدفمند برای گسترش و ارتقای هوش سیاسی مدیران، معلمان و دانش‌آموزان.

## منابع

- آتش‌پور، سید حمیدرضا، و لندران‌ی اصفهانی، سعیده. (۱۳۸۶). هوش سیاسی و نفوذ مدیران. فولاد، ۳۷(۱۵۰)، ۴۹-۶۳.
- آل داود، سید هادی. (۱۴۰۲). ارتباط بین هوش هیجانی با کارآفرینی سازمان و مسئولیت‌پذیری کارکنان صندوق خسارت بیمه آسیا. در *اولین همایش بین‌المللی علوم سیاسی، مدیریت، اقتصاد و حسابداری*. همدان: اولین همایش بین‌المللی علوم سیاسی، مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
- تابش، عبید. (۱۳۹۱). *بررسی و مقایسه مفاهیم آموزش شهروندی در بین دانش‌آموزان و غیردانشجویان شهرستان بناب*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه پیام نور، تهران.
- جهانگیری، شیوا، و عبدی، حسن. (۱۴۰۲). پیش‌بینی کیفیت زندگی براساس هوش هیجانی با میانجیگری اعتمادبه‌نفس در زنان متأهل. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۲۰(۴)، ۷۰۷-۷۱۷.
- دولتی، حسین، نریمانی، محمد، صبحی قراملکی، ناصر، و صادقی هاشجین، گودرز. (۱۳۹۸). بررسی اثربخشی هوش شخصی و هوش موفق بر اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان تیزهوش. *روانشناسی مدرسه و آموزشگاه*، ۸(۱)، ۷۳-۸۸.

ربیعی، داود، مدبری، بهنام، و محمودی، محمود. (۱۳۹۹). تدوین مدل ارتباطی هوش اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان ورزشکار دانشگاه علوم انتظامی امین). *انتظام اجتماعی*، ۳۵(۱۲)، ۲۷-۵۰.

روحی، محسن، گل‌پرور، مجید، و منظری‌توکلی، علیرضا. (۱۴۰۱). تأثیر هوش سیاسی بر رابطه هوش‌های اقتصادی و اجتماعی با مشارکت سیاسی (مطالعه موردی شهروندان کرمان سال ۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۲۶(۵)، ۱۵۸۸-۱۶۰۸.

سروری لاله، هما، و موسوی، سید سیامک. (۱۳۹۹). تأثیر هوش سیاسی در انتخاب سبک‌های مدیریت تعارض (مطالعه موردی، مدیران دفاتر و شرکت‌های خدمات مسافرت هوایی و گردشگری شهر تبریز). *در اولین همایش ملی تحقیقات میان‌رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی*. تهران: اولین همایش ملی تحقیقات میان‌رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی.

علی پور، محمد، اکبری بونگ، محمد، و محمودی بونگ، محمد. (۱۳۹۹). ادراک معلمان از نقش برنامه درسی در بهبود تربیت شهروندی دانش‌آموزان ابتدایی. *پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی*، ۲(۳)، ۲۷-۳۶.

قنبری، محمد، باقری‌باغان، فریبا، و تیمورزاده، ولی. (۱۳۹۳). رابطه بین اخلاق سازمانی با نهادینه‌سازی رفتار شهروندی سازمانی. *آینده‌پژوهی مدیریت*، ۱۰۱(۲۵)، ۱۱۵-۱۲۴.

کرم‌افروز، محمدجواد، شریعتمداری، علی، و سیف‌نراقی، مریم. (۱۳۹۰). طراحی الگوی برنامه درسی تربیت شهروندی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی. *تحقیقات مدیریت آموزشی*، ۱۰(۳)، ۲۹-۴۸.

کوچک‌زاده، زهرا، و جلالی، نیلوفر. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر هوش سیاسی بر تعهد سازمانی با تأکید بر نقش میانجی فرهنگ سازمانی. *در سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع*. تهران: سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع.

گلشاهی، محمدمهدی، رهبر، عباسعلی، و نیک‌سیرت‌فر، مژگان. (۱۳۹۹). تحلیل مؤلفه‌های هوش سیاسی در مدیریت منازعات سیاسی. *دانش سیاسی*، ۳۲(۱۶)، ۵۹۹-۶۲۰.

لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان. *نوآوری‌های آموزشی*، ۱۷(۵)، ۱۱-۴۴.

مجله چوبقلو، محمدعلی. (۱۳۸۷). تحلیل برنامه درسی اجراشده مقطع ابتدایی نظام آموزشی جمهوری

اسلامی ایران از بعد تربیت شهروندی. پژوهشنامه تربیتی، ۱۷(۵)، ۵۸-۲۶.

محمدیان، اسحاق. (۱۳۹۴). بررسی رابطه برنامه درسی پنهان با تربیت شهروندی دانش‌آموزان شهر

منوجان. دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت.

Andreotti, V., Biesta, G., & Ahenakew, C. (2015). Between the nation and the globe: Education for global mindedness in Finland. *Globalisation, Societies and Education*, 13(2), 246-259.

Blickle, G., Schneider, P.B., Liu, Y., & Ferris, G.R. (2011). A predictive investigation of reputation as mediator of the political-skill/career-success relationship 1. *Journal of Applied Social Psychology*, 41(12), 3026-3048.

Camicia, S.P., & Franklin, B.M. (2011). What type of global community and citizenship? Tangled discourses of neoliberalism and critical democracy in curriculum and its reform. *Globalisation, Societies and Education*, 9(3-4), 311-322.

Chiodo, J.J., & Martin, L.A. (2005). What Do Students Have to Say About Citizenship? An Analysis of the Concept of Citizenship Among Secondary Education Students. *Journal of Social Studies Research*, 29(1).

Faas, D., & Ross, W. (2012). Identity, diversity and citizenship: A critical analysis of textbooks and curricula in Irish schools. *International Sociology*, 27(4), 574-591.

Falaq, Y. (2020). Education of citizenship in higher education as A fortress of nation characters in facing era society 5.0. *Journal of Educational Sciences*, 4(4), 802.

Ferris, G.R., Perrewé, P.L., Anthony, W.P., & Gilmore, D.C. (2016). Political skill at work. In *Organizational influence processes* (pp. 395-406). Routledge.

Forstner, J. (2016). Education, Active Citizenship and Applied Social Intelligence: some Democratic Tools to Meet the Threat of Climate Change 1. In *Rethinking Climate Change Research* (pp. 177-191). Routledge.

Jorgenson, Shelane; & Shultz, Lynette. (2012). Global citizenship education (GCE) in post-secondary institutions: What is protected and what is hidden under the umbrella of GCE. *Journal of Global Citizenship & Equity Education*, 2(1), 1-22.

Marshall, H. (2016). Instrumentalism, ideals and imaginaries: Theorising the contested space of global citizenship education in schools. In *The Political Economy of Global Citizenship Education* (pp. 102-117). Routledge.

Pais, A., & Costa, M. (2020). An ideology critique of global citizenship education. *Critical Studies in Education*, 61(1), 1-16.

Santoso, G., Abdulkarim, A., Sapriya, S., & Maftuh, B. (2023a). Citizenship Education Perspective: Strengths, Weaknesses, And Paradigm of the Curriculum in 2022. Presented at the Proceedings of the 1st Pedagogika International Conference on Educational Innovation, PICEI 2022, 15 September 2022, Gorontalo, Indonesia.

Santoso, G., Abdulkarim, A., Sapriya, S., & Maftuh, B. (2023b). Curriculum Matrix Citizenship Education; Development Perspective, Change, And Evaluation. Presented at the Proceedings of the 1st Pedagogika International Conference on Educational Innovation, PICEI 2022, 15 September 2022, Gorontalo, Indonesia.

Schmidt, M.J. (2010). Is there a place for emotions within leadership preparation programmes? *Journal of Educational Administration*, 48(5), 626-641.

- Schugurensky, D., & Myers, J.P. (2003). Citizenship education: Theory, research and practice. *Encounters in Theory and History of Education*, 4.
- Skogen, R. (2010). The missing element to achieving a citizenship-as-practice: Balancing freedom and responsibility in schools today. *Interchange*, 41(1), 17-43.
- Smith, N., Lister, R., Middleton, S., & Cox, L. (2005). Young people as real citizens: Towards an inclusionary understanding of citizenship. *Journal of Youth Studies*, 8(4), 425-443.

## The Effect of Political Intelligence Education on Citizenship Education of 12th Grade Students in Khash Township

Akbar Zolfaghari,<sup>1\*</sup> Fatemeh Hajjghasemi<sup>2</sup>

Received: 12/06/2023

Accepted: 10/03/2024

---

---

### Abstract

The current research has tried to investigate the effect of political intelligence training on citizenship education in twelfth grade students of Khash city and to answer the question whether political intelligence is effective on citizenship education of twelfth grade students. The research method is quasi-experimental with pre-test and post-test methods. The statistical population of the present study includes 12th grade female students of Khash city studying in 2020-2021. The sampling method in this research was available and randomly in the form of two experimental and control groups. The approach of political intelligence ( $\beta=0.92$ ) was effective on citizenship education. In addition, the results indicated the great influence of political intelligence on citizenship education and there was a significant difference in the pre-test and post-test scores of the experimental group. According to the research findings, the effect size of the political intelligence variable on the components of citizenship education (legislation, participation, responsibility, and self-confidence) was 0.81, 0.76, 0.73, and 0.79 percent, respectively. In general, the results showed that the political intelligence variable of 0.92 had a significant effect on citizenship education. Political intelligence ensures student success, reduces student anxiety, and improves social interaction and communication. The results showed that political intelligence is effective on citizenship education and its components. The variable of political intelligence predicts the variable of citizenship education and its components with a high effect size. According to this, students with high political intelligence have the ability to increase group performance.

**Keywords:** Education, Citizenship Education, Students, Political Intelligence.

---

1. Assistant Professor, Department of Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran, (Corresponding Author); [akbarzolfaghari@pnu.ac.ir](mailto:akbarzolfaghari@pnu.ac.ir)

2. Master's Degree, Department of Curriculum Planning, Payam Noor University, Tehran, Iran; [alireza75440@gmail.com](mailto:alireza75440@gmail.com)

Doi: [10.22052/IJCS.2024.254407.1026](https://doi.org/10.22052/IJCS.2024.254407.1026)